

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

دیپلوم انجنیر نسرين معروفی

## به استقبال از رساله «آزمونی از نو ویا رسالت دیگر»

"آزمونی از نو و یا رسالت دیگر"، عنوان رساله است که به قلم استاد مبارز و هم‌رزم جناب موسوی در سال ۲۰۰۲ به نشر سپرده شده بود. با تذکر فشرده می پردازم به رسالت تاریخی این رساله ارزشمند. زمانی که امپریالیسم جنایتگستر آمریکا با متحدان قاتل و جنایکارش در ناتو و خارج از آن با یک تعداد خائن و خودفروختگان خارجی و داخلی در پیترز برگ در شهر بن المان در کشوری که از بطن دولت آن فاشیسم هیتلری داد می زند، دور میز مذاکره جمع شدند تا تصامیم جنایاتی را که روی اهداف استعماری و ضد بشری خود در افغانستان و منطقه پلان نموده بودند، اتخاذ نمایند. امپریالیسم اضلاع متحده آمریکا جهت عملی نمودن پلانها و نقشه های پلید خود در افغانستان و منطقه، اولاً جنایات را در خاک خود شروع نمود یعنی که خود آفت و وحشت آفرید، تروریست و طالب خلق نمود و یک تعداد انسانها را در کام مرگ فرو برد. به این ترتیب قادر شد با پروپاگند ها، تبلیغات و تلاشهای مذبحخانه توجه جهانیان را به این عمل جنایتکارانه و وحشیانه خود جلب کند تا خود را "ناجی" خلق هائی که به اصطلاح با خطرات تروریسم مواجهه هستند، قلمداد نماید. چنانچه ما شاهد بودیم ماشین جنایت و کشتار در آمریکا به این عمل امپریالیستی خود موفق شد و توانست اکثریت دولتهای کره زمین را به دور امیال و منافع شوم خود بچرخاند. در واقعیت امر اضلاع متحده آمریکا توانست اهداف امپریالیستی و استعماری را که جنایت علیه بشریت، دزدی و غارت منابع مادی و داشته های معنوی آنها است، برآورده سازد. با طرح پلانهای استعماری و موافقتنامه بن با کار برد ماشین آلات جنگی قرن بیست و یکم، کشور ما افغانستان را مورد تجاوز قرار دادند و اداره دست نشانده ای را با مشتی از خائنان و جنایتکاران که در رأس آن "کرزی" دلچک قرار داشت، حاکم بر سرنوشت خلق جنگیده و به خاک و خون کشیده شده، نمودند. به این ترتیب متجاوزان قادر شدند سرنوشت خلق افغانستان را با نتایج آن که تا به امروز جز حاکمیت کامل کشور ما با قتل و قتال، راکت و بم، فقر و گرسنگی و صد ها فاجعه هولناک دیگر چیزی به بار نیاورده، رقم زنند.

انتخاب عنوان این رساله در چند سطر شعر گونه منطوری که در شروع تذکر دادم ارزش تاریخی این رساله است. در همان زمان که امپریالیسم امریکا و ناتو به افغانستان حملات نظامی خود را آغاز نمودند، یعنی از اواخر ۲۰۰۱ این رساله نوشته و در آغاز ۲۰۰۲ به نشر سپرده شده بود. در شرایطی که از در و دیوار بر مبنای تبلیغات گسترده امپریالیستی و از طرف آنها صدای خوشی و شادی فضا را پر نموده بود، به ندرت بودند کسانی که در همان آوان با تقبیح از فیصله نامه بن و با درک از ماهیت پلید امپریالیسم باهمه فجایعی که در بطن و متن آن نهفته است، برخورد قاطع، ارزیابی همه جانبه و عالمانه در مقایسه با محتوای این رساله نوشته و به نشر رسانده باشد، - هرگاه چنین اثری وجود داشته و من از آن خبر نداشته باشم، مسلم است که حق نگارنده آن همیشه محفوظ می باشد. طوری که ما شاهد اوضاع بودیم، در کنار جم غفیری از افغانهای نا آگاه که به خاطر ختم دوران سیاه طالب با خوشبینی برخورد می کردند و حتی برخی از سازمانهای مبارزاتی که زیرسوال بردن اعتبار تاریخی آنها خیانتی است عظیم، نیز مواضع روشن مبارزاتی علیه اشغال کشور نداشتند، و بودند وطنفروشان و خانثانی که پشتیبانی عام و تام خود را به حمایت از متجاوزان بی شرمانه اعلان می داشتند و یا این که بودند افغانهای دیگری که یا از خوشی و یا ترس خاموشی اختیار نموده بودند؛ در چنان فضائی استاد موسوی اصل «شنا مخالف جریان» در عمل تحقق بخشید.

باید تذکر داد که جناب موسوی در این رساله جنایات این هیولا را درهستی و نابودی خلقهای ستمدیده ما پیش بینی نموده حملات نظامی متجاوزان را محکوم، افغانستان را یک کشور اشغال شده و خلق آنرا اسیر و در بند و تحت حاکمیت اداره مستعمراتی ارزیابی کرده اند. این که نویسندگان و صاحب نظران دیگر به مرور زمان دست به قلم بردند و زبان را به حرکت آوردند از تجاوز، استعمار و اداره مستعمراتی، خائن، جاسوس و خودفروخته و وطنفروش..... نوشتند و گفتند، ارزش آن باشد سر جای خودش. مهم برای شخص خودم بررسی همه جانبه با موضعگیری قاطع نویسنده مبارز جناب موسوی از طرح پلانهای ضد بشری، حملات نظامی و تطبیق پلانهای ستراتیژیک دراز مدت امپریالیسم جنایتگستر و متحدانش در افغانستان و منطقه در همان زمان است.

### "آزمونی از نو کن و یا رسالت دیگر"

"زندگی در قید و بند رسم و عادت مردن است دست دست توست، بشکن این طلسم ننگ را"

ای هموطن!

ای هموطن!

با شعله های خشم

با گام های رزمنده ات

با دستان پر توانت

تو می دانی که

در این کوهواره ظلمت سرای

سیاه هست و سیاه است

این همه فتنه گری

این همه غارتگری

این همه فسق و فساد

این همه قتل و قتال  
این همه راکت و بم  
تو ای زندانی درد و غم و رنج و علم  
در نبرد هستی ات، گنج دیرینه پیشوایان (م ل ا) را،  
آنین نامه پیکار خود ساز  
خون من فرش رخت باد!  
برخیز و دیوار ستم ویران کن  
رزم خونین به سر پنجه خود آغاز کن  
به موج خون خود  
به پا کن شعله های خشم دشمن سوز را  
بسوزان خرمن متجاوزان وطن را  
درخشان ساز ز موج نور آن  
درفش آزادی آزادگان را  
ز برق آن بسوزان آن "سیا" مرز و بوم را  
تا  
در کوره های آتشین و دشمن سوز  
در لجن زار تاریخ  
بیفکنی استعمار  
غرق در گرداب نابودی  
توبا طوفان خشم  
به صدا آری ناقوس مرگ استعمار "سیا" را  
برزم و هنگامه بر پا کن  
گام نو بردار و  
آزمونی از نو کن ویا رسالت دیگر  
تا همه فریاد کنان نعره کشند  
آزادی آزادی آزادی .....